

خانواده گوهرتراش محله مصلی زندگی شان را وقف این هنر کرده اند

بیرون کشیدن گوهر از جان سنگ

داستان جلد

نیکو عبده زندگی اش از دوران کودکی با سنگ و تیشه گره خورده است. محمد غلامیان در خانواده ای به دنیا آمد که هنر گوهر تراشی نسل به نسل در آن جریان داشت. به همین دلیل برادر بزرگ ترش، رضا نخستین معلم او شد. وقتی محمد هشت سال بیشتر نداشت، رضا دستش را گرفت و او را با دنیای پر رمز و راز سنگ ها آشنا کرد.

حالا خود محمد کارگاهی کوچک در مجموعه تاریخی مصلی دارد و همراه با همسر و پسرش کار گوهر تراشی را در محله مصلی پیش می برند. چالش ها و سختی های زیادی دارند اما علاقه به سنگ ها باعث شده است که ادامه بدهند. لذت تراشیدن سنگ های بی شکل و بی جان، شکل دادن، صیقل دادن و تبدیل سنگ بی شکل به گوهری درخشان!

هنری که از کودکی آموختم

مدت هاست که مجموعه تاریخی مصلی مشهد و کارگاه های هنری اش، پناهگاه امن و آرام هنرمندان شهر است. یکی از این کارگاه ها کارگاه خانواده غلامیان است. محمد غلامیان متولد سال ۱۳۵۱ دوسال پیش پایه این کارگاه گذاشت اما داستان شروع کارش، طولانی تر از این است. هشت سال بیشتر نداشت که سنگ کوچک عقیق را در دست هایش می گیرد و این هنر را می شناسد. برادر بزرگ ترش، رضا و راهمراه با خودش به کارگاه گوهر تراشی نزدیک خانه می برد تا در روزهای تابستان و ایام فراغت، هنری بیاموزد و کمک خرج خانواده هم باشند. علاقه او به شکل دادن به سنگ ها در همان روزها شکل می گیرد. رضا بعد تریک کارگاه کوچک در نزدیکی خانه خودشان در بولوار ولایت اجاره می کند و محمد را هم سر کار می آورد. کم کم تعداد کارگران کارگاه به پنجاه نفر هم می رسد و یکی یکی دستگاه های بیشتری به کارگاه اضافه می کند.

محمد غلامیان سال هادر کارگاه خانوادگی شان کار می کند. او سال ها تلاش می کند، بی هیا هو و با حوصله. سرانجام در سال ۱۳۹۸ کارگاه مستقل خودش را در همان خیابان راه می اندازد. کارگاهی که به قول خودش هر گوشه اش بوی عشق به هنر می داد.

رتبه نخست در گوهر تراشی

اما نقطه عطف زندگی حرفه ای او، سال ۱۳۹۶ است؛ زمانی که در اولین دوره مسابقات کشوری گوهر تراشی در شیراز، مقام نخست را به دست می آورد.

بعد از این موفقیت، پیشنهاد های آموزش از سوی اداره میراث فرهنگی به سراغش می آید و او تصمیم می گیرد تجربه اش را با دیگران در مجموعه تاریخی مصلی به اشتراک بگذارد. از آن زمان، آموزش هم بخشی جدایی ناپذیر از زندگی اش می شود. می گوید: طی این سال ها گوهر تراشان بسیاری را آموزش داده ام و حالا هم اگر کسی خواهان باشد، برایش کلاس خصوصی برگزار می کنم.

موفقیت شاگردان بهترین روحیه

او شاگرد هایش را به سنگ هایی تشبیه می کند که شکل می دهد؛ جوانانی که ابتدا بدون هیچ تجربه ای وارد کارگاه می شوند و بعد هر کدام به گوهر تراشی زبده تبدیل می شوند. محمد تعریف می کند: بهترین خاطرات کاری من در این سال ها بر می گردد به هنر جوهایم. تعدادشان زیاد نبوده اما همان ها به من انگیزه ادامه دادن می دهند. بارها پیش آمده است که سال ها بعد شاگرد های قدیمی ام به من سر بزنند، از کار و بارشان بگویند. اینکه حالا کارگاه راه انداخته و از قبل همین شغل صاحب خانه و خانواده شده اند. وقتی این ها را از زبانشان می شنوم، تمام سختی کم تو جهی ها و نا مهربانی ها با هنرمندان از تنم بیرون می رود.

چرخه گوهر شدن سنگ خام

از او می خواهم مراحل گوهر تراشی را توضیح بدهد. با دقت و حوصله مرحله به مرحله جزئیات کار را می گوید: گوهر تراشی هنر تراشیدن سنگ های قیمتی یا نیمه قیمتی است؛ سنگ هایی که قرار است روی طلا، نقره و... سوار شوند. سنگ بی شکل پروسه ای طولانی را طی می کند تا بی نقص و زیبا شود. ابتدا سنگ را برش می زنند و قسمت های بدون رگه و خالص آن را جدا می کنند. بعد با دستگاه محک به آن شکل می دهند. هنگام تراشیدن، آب روی سنگ جاری می شود تا سنگ گرم نشود و گرد و خاک بلند نشود. بعد سنگ شکل گرفته را با صمغ به سربیک چوب مخصوص می چسبانند و دوباره با صفحه ای که تراشه های الماس دارد، تراش می خورد تا جلای پیدا کند. بعد هم سنباده می خورد. آخرین مرحله هم پولیش سنگ است و گوهر می تواند روی گرد نبندد، انگشتر و... سوار شود.

دورهمی کار و زندگی خانواده گوهر تراش

مریم محمد زاده، همسر او حالا تراش سنگ ها را انجام می دهد، هر چند که می تواند به تنهایی صفر تا صد کار را انجام بدهد. عشق و علاقه به گوهر تراشی را محمد غلامیان در دل او انداخته است. مریم، پس از ۱۰ سال زندگی مشترک، تصمیم گرفت این هنر را از همسرش یاد بگیرد. با حوصله و عشق، قدم به قدم کنار محمد ایستاد تا امروز که می تواند تمام مراحل کار را مثل یک استاد تمام عیار انجام بدهد.

حالا نزدیک به دو سال است که این خانواده، در دل مصلی تاریخی مشهد، کارگاه خودشان را دارند؛ کارگاهی کوچک اما پر از زندگی، که محمد، مریم و پسرشان، حامد، هر روز در آن مشغول تراشیدن سنگ ها هستند.

هر سنگی سختی خودش را دارد

عشق بی پایان به کار باعث شده است محمد غلامیان مهارت خارق العاده ای در کارش پیدا کند. حالا هر سنگی که به دستش می رسد، انگار سر تسلیم فرود می آورد.

از فیروزه و عقیق گرفته تا سنگ های سخت تر، هر کدام ابزار و تکنیک مخصوص خود را می طلبند. او با بختند، از هنر و تخصصش می گوید: حالا می توانم چشم بسته سختی و نرمی سنگ ها را تشخیص بدهم و هر سنگ سر سختی را رام کنم.

مریم محمد زاده ادامه حرف های همسرش را می گیرد و می گوید: وقتی سنگ را در مشت می گیری، تمام آرامش و سکوتش به تو منتقل می شود. به نظر من این کار وابستگی می آورد و توازیک جایی به بعد دیگر نمی توانی از آن دل بکنی. حالا اگر یک روز به کارگاه نیایم، انگار روزمان شب نمی شود. برای آن ها، کار فقط کار نیست؛ بخشی از زندگی و روحشان شده. سکوت سنگ ها، زبان مشترک این خانواده هنرمند است.

گو

آر

می

د غد

بستر

عالی

اینجا

را نم

بیشتر

فرو

انجام

می

محمد

با ت

آ تا

قرمز

در ک

هیچ

چ

ندار